

اساس شعر

مجموعه مقاله ها و شعرهای (نوظهور) مازندرانی

پدیدآورندگان:

جلیل قیصری - محمد صادق رئیسی



۱۳۸۹ خورشیدی

سرشناسه	: قیصری، جلیل، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: اساتذہ: مجموعه مقاله‌ها و شعرهای (نوظهور) مازندرانی / پدیدآورندگان جلیل قیصری، محمدصادق رئیسی.
مشخصات ناشر	: تهران: میرماہ، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۸ ص.
شابک	: ISBN: 978-964-8115-88-8 ریال: ۲۵۰۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: همراه با ترجمه فارسی و آوانویسی شده شعرهای مازندرانی.
موضوع	: شعر مازندرانی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
موضوع	: شعر مازندرانی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	: شعر مازندرانی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به مازندرانی
شناسه افزوده	: رئیسی، محمدصادق، ۱۳۵۱ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ / م ۲۴۳ / ۳۲۶۹ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۶۹/۴۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۰۷۰۳۶



میرماہ

اساتذہ

ناشر: انتشارات میرماہ

پدیدآورندگان: جلیل قیصری - محمدصادق رئیسی

طرح جلد: میرماہ - مهدیه ناظم‌زاده

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مهندس رسول نقی‌زاده

مدیر تولید: محمدابراهیم احسانی

لیتوگرافی و چاپ: خاتم

صحافی: افشین

نوبت و سال انتشار: نخست / ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

ISBN: 978-964-8115-88-8

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۱۵-۸۸-۸

تمام حقوق مادی و معنوی این اثر برای پدیدآورندگان و ناشر محفوظ است.

تهران - تجریش - دزاشیب - خیابان شهید احمد رضانی - کوی مرتضی عباسی - شماره ۳ - واحد ۲

تلفن: ۲۲۷۲۱۹۵۲۲ - ۲۲۷۲۲۹۰۱ تلفاکس: ۲۲۷۲۲۹۰۲

e-mail: info@mirmah.com

به نام خدای یکتا

ادبیات، آئینه‌ی احوال اجتماعی یک ملت است. در این آبگینه صیقلی و زلال در عین آن که می‌توان گنجینه‌های برجای مانده از فرهنگ و ادب هر قوم را دید، انوار تجدد در محیط زندگی آن مردم نیز منعکس و درخشان است. هنگامی که شاعر چیزها دید که پیشینانش ندیده بودند، گفته‌ها شنید که نیاکانش نشنیده بودند و لطایف و دشواری‌هایی را درک کرد که گذشتگانش از آن غافل مانده بودند، آن هنگام است که بارقه میلاد شعری تازه و سبکی جدید و نهضتی ادبی را می‌توان انتظار داشت.

بی تردید، ظهور شعر نو در مازندران نیز زائیده‌ی چنین شرایطی است. پیشینه شعر نو شاید در مازندران به بیش از دو دهه نرسد. پیش از این زمان در شعر شاعران مازندران، نشانی از شعر نو نمی‌یابیم و آنچه به چشم می‌خورد قالب‌های کهن و البته بسیار ارزشمندی است که گرچه به ظاهر سبک و سیاقی چون اشعار امیر پازواری، رضا خراتی و مردان سرشناس یا ناشناس دیگر داشته، اما در نگاهی موشکافانه‌تر ریشه در گات‌های زردشت و متون پهلوی (فهلویات) دارد.

ترنم‌هایی روح پرور و جانبخش که ریشه در چشمه ساران زلالی دارند که هزاران سال است در کوهساران فرهنگ ایران زمین جوشیده‌اند و تشنگان معرفت را از زلال خود سیراب نموده‌اند، اما دامنه این گونه اشعار از مرز عصر فتودالیت و ارباب و رعیتی پافراتر نگذاشت، در حالی که پس از قرن هجدهم که امواج انقلاب صنعتی و پس از آن فراصنعتی جهان را درنوردید، واژه‌ها و مفاهیم بسیاری به جهان ادبیات راه یافتند و نویسندگان و شاعران ناگزیر از بکارگیری

آن‌ها در گفته‌ها و نوشته‌های خود شدند. واژه‌هایی چون کامپیوتر، بمب، باکتری، ایدئولوژی و موارد بسیاری دیگر که کمتر در ترکیب اشعار کهن ایران و به تبع آن شعر شاعران بومی و اقوام ایرانی جایگاهی در خور و مناسب یافتند.

هرچند بزرگانی چون ملک الشعرای بهار، جلال الممالک ایرج میرزا، زنده‌یاد استاد رشید یاسمی و مردان دیگری از این دست سعی در به کارگیری واژه‌های نوین و به عبارت دیگر، واژه‌های صنعتی در اشعار خود نمودند و بعدها برخی شاعران جوان‌تر به تأسی از آنان قدم در این راه نهادند و گاه برخی از آثار آنان از درخشندگی خاصی در زمینه تجدّد و نوخواهی و التفات به مضامین بکر و تازه برخوردار گردید، اما واقعیت این است که این اشعار هیچگاه نتوانست سنگینی و وقار اشعار کهن را باز یابد. این نیاز در ادبیات و شعر کهن فارسی موجب شد تا شعر نو به همت و پایمردی نیما یوشیج، پا به عرصه نهد. نیما یک تنه در برابر جریانی از شعر کهن ایران با بیش از ۱۲۰۰ سال سابقه ایستاد. بار این مسئولیت چنان سنگین بود و عمر نیما آنقدر کوتاه که پدر شعر نوی ایران که خود از مردم نور مازندران بود و عاشق فرهنگ و ادب آن دیار، او که خالق مجموعه اشعار تبری «روجا» به سبک و سیاق کهن بود، فراغت نیافت تا زمینه تحوّل شعر مازندران را فراهم آورد و به این ترتیب تا حدود ۳۰ سال پس از وفات نیما شعر مازندران همچنان به روال دیرین پیش رفت و گرچه به ظاهر به حرکت خود ادامه داد اما هیچگاه از مرز دوران فنودالیت و بیان احساسات نوستالژیک پا فراتر نهاد و قادر به بیان درست مناسبات اجتماعی و ادبی جهان امروز نگردید.

خوشبختانه سال‌ها بعد، فرزندی دیگر از دیار نیما قدم در این عرصه نهاد و ساختار شکنانه پایه‌های شعری را بنا نهاد که بعدها خود نام آن را «اساشعر» گذاشت. جلیل قیصری، گرچه همچون شاعران پیش از خود در شعر کهن و قدیم مازندران آثاری ارزشمند و قویم داشت اما هیچگاه در بند آن نماند و هنگامی که دریافت که تار و پود کهنه شعر مازندرانی متناسب و پاسخگوی دیالوگ‌های اجتماع جدید نیست، با خلق «اساشعر» نهضتی ادبی را در مازندران آغاز کرد. «اساشعر» گرچه ریشه در ادبیات غنی مازندران دارد و برخاسته از فرهنگ فروغمندی است که بزرگانی چون امیر پازواری و نیما یوشیج را در خود پرورده است اما بالنده است و امروزی؛ کوتاه و نافذ؛ نه تقلیدی است از هایکوی ژاپنی و نه به چارچوبه اشعار سفید و فرانوی فارسی محدود می‌شود. این نوع شعر که در آن دو مشخصه «گرایش به کوتاهی» و «گرایش به

مدرسیم! آشکارا به چشم می‌خورد، بر اساس محتوا (Content) شکل می‌گیرد و آنچه ذهن سراینده را به خود مشغول نمی‌دارد قالب (Form) شعر اوست.

حرکتی این چنین گرچه همزمان و یا پیش از ظهور "آشاعر" در میان اقوام دیگر ایرانی همچون کردها، گیلک‌ها و مردم خراسان آغاز شد اما بی‌تردید این سبک از اشعار که امروز بسیاری از جوانان ادیب و شاعر مازندرانی اشعار خود را در قالب آن می‌سرایند و نظرها و دیدگاههای بسیاری را به خود معطوف نموده است، زائیده افکار و اندیشه‌های جلیل قیصری است که نمونه‌هایی از آن از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد. برای دست اندرکاران انتشارات میرماه مایه خشنودی است که توانسته‌اند گوشه‌ای از آثار جناب آقایان جلیل قیصری و محمد صادق رئیسی را منتشر نمایند. امید است در آینده شاهد ظهور آثار ارزنده دیگری از این عزیزان و سایر شاعران گرانقدر مازندران در عرصه فرهنگ و ادب کشور باشیم.

با آرزوی بهروزی

دکتر علی یزدی نژاد

تجریش - نوروز ۱۳۸۹ خورشیدی

پیشگفتار ۹

بخش نخست - کندوکاوی در نظریه‌های شعرشناسی ۱۵

اساس شعر فراپومی‌ترین شعر بومی ۱۷

نظریه‌ها و زیبایی‌شناسی آفرینش ۲۸

بخش دوم - گزیده‌ی اساس‌شعرهای جلیل‌قیصری ۳۷

بخش سوم - گزیده‌ی اساس‌شعرهای محمد صادق رئیسی ۹۵

پیشگفتار

زبان مازندرانی از نظر طبقه‌بندی زبان‌های ایرانی، به لحاظ تاریخی و لهجه‌شناسی، در گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی قرار می‌گیرد. بر مبنای سوابق تاریخی می‌توان چنین برداشت کرد که تا قرن چهارم، تقریرات و تحریرات به این زبان نوشته و خوانده می‌شده است.^۱ «مرزبان‌نامه» از معتبرترین کتاب‌هایی است که در قرن پنجم به این زبان نوشته شده و سپس به زبان فارسی ترجمه شده است. پس از آن، به دلیل گسست‌های تاریخی و رواج زبان رسمی دری و نیز در آمیخته شدن زبان ایرانی با عربی، رفته رفته شکل نوشتاری از زبان مازندرانی ساقط و آنچه بر جای ماند تنها در ساحت گفتاری آن بوده است؛ به طوری که تقریباً پس از دوره صفویه، دیگر آثار مکتوبی به زبان مازندرانی بر جای نمانده است.^۲

این مسئله تنها مربوط به ثبت آثار ادبی نبوده، بلکه شامل مسائل پایه‌ای زبان مازندرانی نیز بوده است. عدم شناخت در بررسی‌های علمی و زبان‌شناسانه، خلاء بزرگی را در راه تحقیق و پژوهش‌های ادبی به وجود آورده است که پیامد آن از پس سالیان دراز، واماندگی آفرینش آثار ادبی است که موجب شد شاعران و نویسندگان تمایل و رغبت کمتری به خلق آثار ادبی به

۱- کیا، صادق؛ (۱۳۴۰): «راهنمای گردآوری گویش‌ها»، چاپ اول، انتشارات فرهنگ عامه، تهران.

۲- در اینجا باید برخی از آثار ثبت شده در کتاب‌های تاریخی بازمانده از نویسندگان را در زمینه مازندرانی از جمله «تاریخ مازندران ابن اسفندیار» و «تاریخ رویان، طبرستان و مازندران» و دیگر کتاب‌های تاریخی - جدا از ثبت آثار مکتوب آن دانست.

زبان بومی از خود نشان دهند؛ از این رو، این زبان ناخواسته به ورطه‌ی فراموشی در غلتید. بعدها عصر روشنگری در ایران و توجه به پژوهش‌های فولکلوریک و فرهنگ عامه، رفته رفته زمینه‌های شناخت و آشنایی با آثار ادبی را فراهم آورد و تمایل به سمت تدوین این گونه آثار رو به رشد نهاد. نیما، بدون شک، پیشگام در شعر بومی مازندران به شکل مکتوب آن بوده است. طرز تلقی‌های نیما در شعر - ایران و جهان - در خلق شعرهای مازندرانی وی نیز مؤثر واقع شد. هر چند تأثیر آثار نیما بر شعر مازندرانی زمان زیادی پیمود، اما سرانجام تأثیر خود را بر جای گذاشت. نگرش نو در حیطه‌ی زبان و تفکر شاعرانه، ساختار نگاه شاعرانه و حتی تمایلات نوجویانه در اوزان عروضی از پس تجربه‌های شعر هجایی، قافیه‌پردازی‌های نو و گاه نقد شاعرانه کلامی به شاعران برجسته پیشین مازندران از جمله «امیر پازواری»، «رضا خراتی» و سایرین و دیگر عوامل از برجستگی‌های شعر محلی نیما در مجموعه «روجا»^۱ بوده است. پس از نیما، رفته رفته شاعران بومی شرا به خلق آثار خود پرداختند.

چاپ آنتولوژی‌های شعر بومی^۲ و همچنین مجموعه‌های مستقل از شاعران بومی شرا، شعر محلی مازندران را وارد فضاهای تازه‌تری ساخت.

این شرایط به همراه پارامترهای دیگر دست به دست هم دادند تا شعر محلی نیاز به تحولی عظیم و تاریخی را در خود احساس کند. «اساعشر» که چگونگی روند شکل‌یابی آن در مجموعه‌ی دیگری با همین نام منتشر شده است از جمله اشعار مدرن مازندرانی است.^۳ چگونگی پیدایش، تعاریف، تئوری‌ها، نظریه‌ها، معیارها، شاخصه‌ها، قواعد، مسائل زیبایی‌شناسی و دیگر مسائل مرتبط با «اساعشر» خود بحث مفصلی است که در آثار دیگر آمده است و تکرار دوباره آن در این مجال اندک شایسته نیست.

«اساعشر» در طول بیش از دو دهه فعالیت رسمی، اینک در جایگاهی قرار گرفته که می‌توان به دور از شائبه‌های ظاهر فریب، به شناخت ویژگی‌های صواب و ناصواب آن

۱- «روجا» مجموعه شعرهای تبری نیما؛ از این مجموعه در طی سالیان اخیر، نسخه‌های چندی با ترجمه‌های متفاوت در دسترس اهالی کتاب قرار گرفته است. اولین بار به همت سیروس طاهباز با ترجمه‌ی مجید اسدی - علی پاشا اسفندیاری در مجموعه کامل اشعار نیما در سال ۷۱ انتشارات نگاه آمده است.

۲- از برجسته‌ترین آنتولوژی‌های شعر بومی مازندران: «شکوفه‌هایی از ادبیات مازندران»؛ فتح‌اله صفاری، انتشارات پیروز، ۱۳۴۷. «نوح»؛ محمود جوادیان کوتایی، انتشارات معین، ۱۳۷۵. «نغمه‌های سرزمین بارانی»؛ اسداله عمادی، انتشارات شلفین، ۱۳۸۶.

۳- «اساعشر» به کوشش؛ جلیل فیضی، محمدصادق رئیسی، نشر آرت، چاپ اول ۱۳۷۹.

پرداخت. ضرورت‌هایی که موجب پیدایش اساشعر شد امروزه بیش از همه رخ می‌نماید؛ چرا که زمینه‌های بنیادین آن به دلیل کثرت شعرهای موجود و توجه خیل عظیمی از شاعران بومی‌سرا به آن راه هر گونه تبادل ادبی را گشوده است. امروزه به باور بسیاری از منتقدان شعر محلی، «اساشعر» نه تنها توانسته از گذر خوان‌های بی‌شماری سر بلند بگذرد، بلکه توانسته تأثیر خود را بر شعر کلاسیک مازندرانی در ساحت زبان و اندیشه نیز نمایان سازد. «اساشعر» دیگر تنها نوع یا جریانی از شعر بومی نیست، بلکه فرهنگی است که آبخشور آن از سویی فرهنگ عظیم و قدرتمند مازندرانی است و از سوی دیگر، زبان توانمند - اما فراموش شده‌ی - این مرز و بوم است که امکان بکارگیری واژگان طرد شده‌ی بی‌شماری را در حیطه‌ی زبان شعری امکان‌پذیر ساخته است. خصلت زبان شناسانه «اساشعر» به گمان من از جمله موارد پر اهمیتی است که حتماً باید از سوی تحلیل‌گران ادبی مورد پژوهش قرار گیرد.

برخی نگرش‌های تازه در حوزه نحو و ساختار شعر و مضامین تازه از جهان معاصر، جزء ویژگی‌هایی است که به «اساشعر» خصلتی دیگر - در کنار خصلت‌های پیشین - بخشیده است. از این رو، «اساشعر» پدیده‌ای نوظهور در ادبیات مازندران است که مسبوق به سابقه‌ی پیشین نیست و هر چیز و همه چیز در آن به شکل نامکشوفی به حیطه‌ی ادبی نزدیک می‌شود. به این ترتیب این نوع شعر همواره محل کشف و شهود تجربه‌های نو آئین در حوزه شعر محلی مازندران است. در حالی که شعر بومی کلاسیک دچار نوعی سانتامانتالیسم مضحک و بی‌ریشه و اساس شده است و حوزه اندیشگی شعر به نوعی از گذشته‌گرایی مازوخیست‌گونه گرفتار آمده؛ «اساشعر» ظهور یافته تا خونی تازه در رگ‌های بی‌رمق شعر بومی به جریان بیندازد.

«اساشعر» امروزه نه تنها در تمام مازندران ریشه دوانده، بلکه به همه‌ی آنانی که در هر نقطه از سرزمین پهناور ایران و یا جهان زندگی می‌کنند و با زبان مازندرانی آشنایی دارند نیز رسیده است. توجه بسیاری از شاعران و منتقدان مازندرانی [= ایرانی] در کشورهایی چون آلمان، آمریکا، سوئد، هلند و... نشان از آن دارد که اساشعر جایگاه واقعی و اصلی خود را یافته است؛ از سوی دیگر توجه خیل بی‌شماری از شاعران جوان^۱ به این نوع شعر، گویای این

۱- مصداق این حرف، شاعرانی هستند که به طور پیگیر و مستمر به اساشعر می‌پردازند: محمد داودی، قنبر یوسفی، اسدالله عمادی، علی کفشگر، روح‌اله مهدی پور عمرانی، احمد غفاری، عیسی کبانی، صادق ربیعی، رجب بذرافشان، شیون نوری، مسعود شیخ الاسلامی، اسماعیل صادقی، زهرا ترخان، علی‌رضا حکمتی، موسی قمی‌اویلی، محمود

نکته است که اسامی همچنان پویا و قدرتمند به حیات ادبی خود ادامه خواهد داد.

در کنار شاعران باید از منتقدان شعر در حوزه‌ی زبان مازندرانی یاد کرد، زیرا همواره در اعتلای شعر بومی کوشیده‌اند و تلاش آنان در حیطه‌ی تحلیل و بررسی آثار اسامی به آشنایی خوانندگان کمک شایانی کرده، به عبارتی آنان نقاط قوت و ضعف این نحله‌ی ادبی را بیان کرده‌اند. استاد احمد ابومحبوب - از منتقدان برجسته و پرتوان شعر فارسی و مازندرانی - که غنای آثار ایشان در میان اهالی ادب فارسی و مازندرانی شناخته شده است، محمد عظیمی از دیگر منتقدان مازندرانی است که همواره توجهی شایسته به ادبیات مازندرانی و به ویژه "اسامی" داشته است. دیدگاه ایشان در این حوزه بی‌شک از علاقه و توجه به شعر بومی مازندران نشأت می‌گیرد. عظیمی همواره از پیگیرترین فرد در حوزه نقد ادبی مازندران بوده است. رجب بذرافشان نیز از جمله دیگر منتقدانی است که آشنایی‌اش با نقد ادبی معاصر و دانش‌اش در حیطه‌ی تحلیل ادبی از منظر تئوری‌های ادبی، وی را در این زمینه نیز برجسته ساخته است. بذرافشان در طول این سال‌ها به دلیل مسئولیت‌اش در هفته‌نامه «کایر» نقش ارزنده‌ای را در معرفی، نقد و چاپ آثار شاعران و نویسندگان مازندرانی داشته است. به علاوه سعید جعفری از منتقدان دیگری است که تلاش‌هایی را در معرفی و تبیین تئوری‌ها و نظریه‌های "اسامی" داشته است.

کلام آخر

امروز در هر جایی که از "اسامی" سخن به میان می‌آید بی‌تردید نام شاعر پرآوازه و فرهیخته، جلیل قیصری، در کنار آن به ذهن و زبان متبادر می‌شود. شاعری که بدون هیچ‌گونه ادعا و تکبری در راه کسب تجربه‌های شاعرانه از پس سه دهه کار حرفه‌ای شعر، از هیچ‌گونه تلاشی فروگذار نکرده و بدون شک، مخالفان و موافقان شعر ایشان به آن اذعان دارند. در کنار این، "اسامی" به همت ایشان و پیگیری شاعران دیگر، به آفرینش و حیات مانای خود، در کنار شعر قدرتمند کلاسیک مازندرانی ادامه می‌دهد.

کتاب حاضر در واقع جلد دوم یا حلقه‌ی دوم "اسامی" است که پیشتر از این‌ها آماده نشر

نامدار، معین دریایی، پیروزه قلی‌پور، خاتم لورایی و... اینها در واقع جزء شاعرانی هستند که از آنان اسامی‌هایی در مطبوعات رسمی به چاپ رسیده است و بدون شک هستند اسامی‌سرایان بسیار دیگری که به دلیل عدم چاپ آثارشان دسترسی به نام و آثارشان مقدور نبوده است.

بوده، اما به جهت فراهم نبودن شرایط چاپ و نشر در طی این سال‌ها، مسکوت مانده بود و اینک به اهتمام مدیریت محترم انتشارات میرماه جناب دکتر علی یزدی‌نژاد، که همواره دغدغه‌های فرهنگی ایشان - به ویژه در حوزه فرهنگ و زبان فولکلوریک مازندران - ستودنی است، به زیور طبع آراسته خواهد شد، لذا بدین وسیله مراتب سپاس خود را نسبت به ایشان و همکاران محترم‌شان ابراز می‌نمایم.

بدون شک هرگونه کاستی در مجموعه متوجه پدیدآورندگان بوده و خوانندگان محترم با نظرات عالمانه خود، اسامی را به سوی هدف واقعی‌اش رهنمون خواهند بود.

محمد صادق رئیسی

پاییز ۱۳۸۸ - تهران